

جغرافیا و توسعه شماره ۵۲ پاییز ۱۳۹۷

وصول مقاله: ۹۶/۰۵/۱۳

تأیید نهایی: ۹۶/۱۲/۰۵

صفحات: ۲۲۷-۲۴۶

رویکردی انتقادی به اهداف و اغراض سیاسی در فرایند طراحی نقشه با نگاهی به ایران

دکتر محمدرئوف حیدری فر^{۱*}، اقبال پاهگیده^۲، اکبر رنجبر سرنختی^۳

چکیده

نقشه‌ها به رسم معمول، باید بازتاب داده‌های طبیعی و انسانی و نیز یافته‌های کار توگراف‌ها از عوارض و پدیده‌های روی زمین باشند؛ اما در حقیقت چنین نبوده است و در برخی موارد همراه با این حقایق، اهداف و اغراض سیاسی، نظامی و... دنبال می‌شود. جدایی‌ناپذیر بودن نقشه از زندگی انسان و نیز گستردگی و فراوانی کاربرد آن، باعث شده است تا بسیاری از زوایای آشکار و پنهان آن کمتر مورد توجه قرار گیرد. در کشور ایران با نگاهی گذرا، به این مسئله پی می‌بریم که تعصبات قومی و قومیت‌ها در طراحی نقشه‌ها به عینه دیده می‌شود و طراحان نقشه، عامدانه درصد پررنگ‌تر نشان‌دادن برتری و اکثریت یک قوم در سرزمین ایران بوده‌اند. درباره خلیج فارس ایران که یک موضوع فراملی است؛ نزاع حاصل از اغراض سیاسی آن در سال‌های اخیر در صدر اخبار و تنش‌های سیاسی مابین ایران و کشورهای حاشیه خلیج همیشه فارس بوده است. این مقاله با روش توصیفی-تحلیلی و اسنادی و با رویکردی انتقادی به اهداف و اغراض سیاسی در فرایند طراحی نقشه‌ها می‌پردازد. یافته‌ها نشان می‌دهد که هر چند نقشه‌ها نخست، ساده و ابتدایی بودند و همه آن‌ها با هدف راهنمایی و نمایش عوارض زمین و به صورت کلی مفید و مورد استفاده عموم است؛ اما در گذر زمان، انواع گوناگونی از نقشه‌ها ترسیم شد که طمع ثروت‌اندوزی کار توگراف‌ها، تعصبات قومی، انعکاسات سیاسی و قدرت، قدرتمندان با اهداف و اغراض سیاسی در آن‌ها مشهود است.

واژه‌های کلیدی: کار توگرافی، طراحی نقشه، قدرت، اغراض سیاسی، سیاست، ایران.

amirhidry123@pnu.ac.ir
Eghbal_p@yahoo.com
ranjbarfarshad@gmail.com

۱. استادیار جغرافیای سیاسی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران*
۲. عضو هیأت علمی جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
۳. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد جغرافیای سیاسی، دانشگاه پیام نور روانسر

مقدمه

«امروزه نقشه، مهم‌ترین ابزار شناخت در علم جغرافیا و عالی‌ترین وسیله نمایش اطلاعات و معلومات جغرافیایی است» (گنجی، ۱۳۸۰: ۴۳۵). جغرافیا، دانش مطالعه محیط و بررسی انواع روابط انسانی در پیرامون خویش است. به نظر می‌رسد که این علم، از کنجکاووی اولیه انسان درباره زیستگاه و محیط اطراف خویش نشأت گرفته باشد؛ زیرا تلاش انسان را برای دستیابی به ناشناخته‌های اطراف خویش به اثبات می‌رساند. در این میان نقشه به‌عنوان ابزاری ارزشمند، تسهیلات فراوانی در راستای شناخت طبیعت و پدیده‌های پیرامون آدمی فراهم آورده است.

نقشه‌ها در پاره‌ای از موارد، ابزاری در اختیار قدرت سیاسی حاکم بوده است؛ از این‌رو، نقش قابل توجهی در انتقال و القای خواسته‌ها و سیاست قدرت‌های ذی‌نفع و ذی‌نفوذ ایفا کرده است. دلیل اصلی روی کار آمدن حکومت‌های مختلف در طول تاریخ است که هر کدام از این قدرت‌ها، مطابق اغراض و اراده سیاسی خویش، نقشه‌های متنوعی را طراحی و تدوین کرده‌اند. در تعدادی از این‌گونه نقشه‌ها، خود طراحان نقشه‌ها اذعان کرده‌اند که به دنبال اهداف خاصی بوده‌اند یا در برخی از آن‌ها، نسبت به انواع دیگر، قابلیت بیشتری از اعمال قدرت و القای سیاست را شاهد هستیم که پرداختن به تمام زوایای این مباحث در مجال اندک، امکان‌پذیر نیست.

واژه‌های آشنایی چون سلطه، استعمار، خشونت‌های طول تاریخ و حتی جنگ‌ها که از یک‌سو می‌تواند مورد بحث در علوم انسانی مانند روان‌شناسی و جامعه‌شناسی باشند، رد پای آشنایی در جغرافیا دارند؛ امروزه به کمک علم روان‌شناسی شخصیت، دانشمندان و محققان، موفق به درک پیچیدگی‌های شخصیتی بسیاری از قدرتمندان، سیاست‌مداران و بازیگران

عرصه سیاست و قدرت شده‌اند؛ پس می‌توان فهمید که جستجو و پژوهش در خصوص میزان تأثیرگذاری و اهمیت روان‌شناسی نیز در طراحی، تغییر و تثبیت بسیاری از نقشه‌ها، مقوله‌ای دور از ذهن نخواهد بود. کارتوگرافی به معنای خاص آن، به مجموعه کارهایی گفته می‌شود که در مراحل گردآوری، ارزیابی و طراحی و تبدیل آن‌ها به نقشه و ترسیم و تکثیر نسخه‌های نهایی انجام می‌گیرد (جداری عیوضی، ۱۳۸۲: ۸). در علم تهیه نقشه (کارتوگرافی)، عواملی مانند قدرت، سیاست و روان‌شناسی نقش اساسی دارد که در نقشه قابل ارزیابی است. این تحقیق با علم به مسئله کاربران نقشه‌ها، جدای از اینکه می‌توانند بسیاری از اطلاعات مورد نیاز خویش را از نقشه‌ها به دست آورند، دلیل دیگری نیز برای استفاده از آن دارند و آن اعتماد و اطمینان به درست بودن اطلاعات مندرج در نقشه‌هاست. بیشتر کاربران این‌گونه تصور می‌کنند که نقشه‌ها پدیده‌ای خنثی بوده و کارتوگراف‌ها یا سفارش‌دهندگان، هیچ دخل و تصرفی در ساخت آن ندارند؛ اما باید دانست که دلایل متعددی وجود دارد که نشان می‌دهد، گزینش‌های طراحان و سفارش‌دهندگان طراحی نقشه‌ها، تأثیر قابل توجهی در پدیدآوری، اطلاعات و جزئیات موجود در نقشه‌ها داشته است. در ارزیابی و تحلیلی کارتوگرافیکی از این موضوع و رویکردی انتقادی می‌توان به پاره‌ای از ابعاد موضوع پی برد. هدف اصلی از این مقاله، توجه به اغراض و اهداف سیاسی کارتوگرافان و تکنیک‌های استفاده از ابزارهای موجود در نقشه توسط آن‌ها در جهت دستیابی به این اهداف و اغراض است. در بخش‌های پایانی با نگاهی به نقشه‌های قومی ایران و نیز نقشه خلیج فارس، به برخی از این اغراض و اهداف طراحان توجه می‌شود.

بیان مسئله

«جغرافیا، علم مطالعه رابطه انسان و طبیعت پیرامون اوست. کشف همین رابطه، هسته اصلی دانش جغرافیاست» (شکویی، ۱۳۸۳: ۱۷) که باید این دو بُعد اساسی در نقشه‌ها یعنی بُعد طبیعی و بُعد انسانی مورد توجه قرار گیرد؛ به یقین هنگامی که از بُعد انسانی صحبت می‌شود، جدایی از پراکندگی جمعیت و اقوام، تنوع قومیت‌ها، زبان‌ها، نژادها و فرهنگ، مسأله مهم‌تر، مقایسه میان تأثیرات متقابل این دو عامل بر یکدیگر است که سهم تأثیرگذاری انسان بر عامل محیط در مقابل انفعال او، بسیار بیشتر است؛ اما انسان نیز تابع اصول و مفاهیمی است که برآیند زندگی اجتماعی است: فرهنگ، هویت، ملیت، مذهب و شاید مهم‌ترین آن‌ها قدرت و سیاست است. انسان‌ها بر یکدیگر و بر محیط، به واسطه همین اصول و مفاهیم تأثیر می‌گذارند. در بُعد انسانی، تغییرات اجتماعی، روی کار آمدن حکومت‌ها یا سرنوشتی آن‌ها، استقلال جوامع یا استعمار، تغییرات مذهبی و استحاله‌های قومی، همه مصادیق این مدعا است. در بُعد طبیعی نیز تأثیرات انسان، تغییرات اساسی را موجب شد که در نهایت، زندگی بدوی انسان‌های نخستین را به انفجار اطلاعات و تکنولوژی در دنیای کنونی مبدل کرده است. آنچه که انسان‌ها در این پروسه طولانی طی کرده‌اند، کارتوگراف‌ها با نشانه‌ها و مفاهیم آن در قالب نقشه‌ها به تصویر کشیده‌اند و امروزه نقشه‌ها، زبانی فراتر از مرزها دارند، با این وجود، خود این نقشه‌ها نیز بی‌تأثیر از تغییرات اجتماعی و دخالت قدرت‌ها و سیاست‌ها و نیز نوع نگرش و افکار و احوال صاحبان قدرت و سیاست نبوده‌اند.

مسئله دیگری که باید مورد توجه قرار گیرد، مسئله سیاست، به معنای علم و هنر حکومت‌داری

است. «نقشه‌ها پیام‌ها و خواسته‌های حکومت‌ها را به مردم و ملت‌ها منتقل کرده و از قدرت اقناع‌کنندگی برخوردار است. همچنین حکومت ملی براساس منافع خود، از تکنیک‌های کارتوگرافی و روان‌شناختی استفاده کرده و اهداف خود را تأمین می‌کند. ماهیت نقشه‌ها، مخصوصاً نقشه‌های سیاسی، غیرواقعی بوده و بیشتر به دنبال اهداف و اغراض سیاسی هستند. سیاست خارجی، موضوعات وسیعی را همانند اطلاعات، تجارت، دفاع و امنیت شامل می‌شود و به درک و فهم دیپلمات‌ها از جهان پیرامون و واقعی و موقعیت کشورهایشان در این جهان واقعی مبتنی است. ناپلئون بناپارت در این زمینه بیان کرد که «سیاست یک کشور در جغرافیای آن نهفته است. در جهت تدوین سیاست، دیپلمات‌ها باید درکی جغرافیایی داشته باشند که این خود نیازمند داشتن بینشی صحیح از کارتوگرافی و نقشه است و این همان تأثیر نقشه و طراحی آن و نیز اجزا و ساختار آن بر سیاست و فعالیت‌های مربوط به آن است. هیچ استراتژی یا برنامه‌ای نمی‌تواند به گونه‌ای مؤثر به انجام برسد، مگر اینکه دارای بُعد فضایی باشد. مفهوم سیاست، توسعه و اجرای آن وابسته به نقشه و نقشه‌کشی است» (Henrikson, 1994: 2). قطعاً نقشه‌های سیاسی تولیدشده در ایران یا نقشه‌هایی که توسط سایرین تولید شده خالی از هرگونه سیاست و غرض سیاسی نیست. به همین دلیل، بررسی ابعاد موضوع، چرایی، تحلیل و تفسیر این مسائل، از جمله رویکردهایی است که جغرافی‌دانان باید با دیدی انتقادی و آگاهی بخش به آن توجه کنند تا به مراتب آسیب ناشی از آن کاهش یابد؛ بنابراین، پاسخگویی به سؤالات زیر مدنظر است:

۱. علت تفاوت‌های چشمگیر و قابل‌تأمل در نقشه‌ها چیست؟

«هنریکسون» (۱۹۴۹-۱۹۹۴) و یا بلاکسل^۳ در کتاب جغرافیای سیاسی به صورت توصیفی به بررسی رابطه نقشه و قدرت پرداخته‌اند و مطالعاتی که در این زمینه انجام پذیرفته است، عمدتاً به نوع ارتباط میان سیاست و تهیه نقشه‌ها بوده است و کمتر مقوله قدرت در این زمینه را مورد ارزیابی قرار داده‌اند.

روش تحقیق

روش تحقیق در این مقاله توصیفی و تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات آن، از طریق کتب و مقاله‌های در دسترس، انجام شده است. با توجه به موضوع پژوهش که رویکردی انتقادی به اهداف و اغراض سیاسی در فرایند طراحی نقشه است و در این زمینه منابع چندانی وجود ندارد؛ نگارندگان به ناچار به مطالعه منابع متعددی که به نوعی با موضوع در ارتباط بوده، پرداخته‌اند. همچنین در نهایت با بهره‌گیری از این منابع و نیز ترجمه منابع لاتین، به یافته‌هایی در این زمینه دست پیدا کردند. همچنین با توجه به اهمیت این مسئله در ایران و احتمال گسترده شدن ابعاد موضوع در آینده، سعی شده است تا در تبیین موضوع، نگاهی گذرا به کارتوگرافی و اهداف و اغراض سیاسی ایران نیز صورت گیرد.

مبانی نظری

نقشه‌های جغرافیایی؛ قدرت و سیاست

نقشه نه تنها «ابزار» هر حکومت برای سلطه و اعمال قدرت است؛ بلکه خود نیز به عنوان بازوی قدرت به ابقا و اعمال قدرت کمک می‌کند. نقشه در چرخه تولید قدرت قرار می‌گیرد و به همان نحوی که خود زاینده و ساخته قدرت می‌باشد، در بازسازی و تصویرسازی نظام فکری، دارای قدرت تولید واقعیت و حقیقت است و فرد به سهولت، اطلاعات مندرج در آن را به عنوان واقعیت‌های بازنمایی شده باور می‌کند.

۲. اهداف و اغراض سیاسی در نقشه‌ها چگونه می‌تواند معانی و برداشت‌های خاص را به ذهن مخاطبان القا کند؟

پیشینه پژوهش

آنچه از پژوهش‌های گذشته در این زمینه به دست می‌آید، نشان می‌دهد که عوامل قدرت و سیاست و نوع ارتباط آن‌ها با کارتوگرافی^۱ و به‌طور ویژه در مقوله ساخت نقشه در گذشته، مجموعاً در یک قالب مدون مورد سنجش و ارزیابی قرار نگرفته است. ولیکن از پژوهش‌های ارزشمند که پیرامون موضوع مقاله تألیف شده، پژوهش‌های میرحیدر و حمیدی‌نیا، تحت عنوان «کالبدشکافی نقشه جغرافیایی و نقش آن در اعمال قدرت و القای سیاست» (۱۳۸۹) و اصول کارتوگرافی جداری عیوضی (۱۳۸۲) است و آثاری چند که درباره مفهوم قدرت و سیاست، ابعاد و رابطه آن با جغرافیای سیاسی بحث شده است. از جمله: امیری و افضل‌ی با عنوان قدرت و دانش (۱۳۹۴)، حافظ‌نیا با عنوان جغرافیای سیاسی ایران (۱۳۸۷) و اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک (۱۳۹۳) و مجتهدزاده (۱۳۹۱) با عنوان فلسفه و کارکرد ژئوپلیتیک که هر یک در جایگاه خود، راه‌گشای جریان پژوهش بوده‌اند. در همین زمینه اونو (Unno, 1994: 15) از ژاپن به تحلیل کامل رابطه سیاست، قدرت و نقشه از رهیافت تاریخی می‌پردازد و ضمن نگاهی تاریخی به مثال‌هایی از کشور ژاپن اشاره می‌کند؛ به‌علاوه، بینری^۲ به جایگاه و اهمیت نقشه‌های تبلیغاتی به‌عنوان ابزاری در دست قدرت توجه می‌کند و همانند «ایولاکست، نقشه را همواره ابزاری برای تأمین منافع حاکمان، فرمانداران، پادشاهان و صاحبان قدرت» می‌داند (مویر، ۱۳۷۹: ۴۱۶-۴۱۵). در آثار جغرافیدانان و متخصصانی چون

1-Cartography
2-Briney

3-Blackcel

رابطه جغرافیا با قدرت و سیاست

«رابطه جغرافیا با سیاست و قدرت در گذشته مورد توجه دانشمندان و سیاستمداران بوده است. در یونان قدیم، ارسطو و استرابو^۱ و در دوره قرون وسطی دانشمندانی مانند بادن^۲ و مونتسکیو^۳ و در قرن نوزدهم جغرافیدانانی چون کارل ریتتر^۴ و فردریک راتزل^۵ به مباحث مربوط به جغرافیا و سیاست پرداخته‌اند. در دوره اسلامی هم دانشمندانی مانند ابن خلدون به مطالعه روابط بین عوامل جغرافیایی و محیط طبیعی با سیاست پرداخت و نظریه معروف خود درباره قبیله و شهر یعنی دو واحد قدرتمند سیاسی در آن زمان و نیز چرخه پیدایش و سقوط دولت‌ها بر پایه آن ارائه کرد. ژئوپلیتیک بر آن بخش از دانش جغرافیا تأکید می‌کند که با قدرت و سیاست پیوند می‌خورد. در واقع جوهر ژئوپلیتیک را قدرت تشکیل می‌دهد. چه در فرایندهای تولید قدرت و چه در فرایندهای توزیع فضایی و جابه‌جایی قدرت و چه در ارتباط با ساختار جهانی قدرت، دانش ژئوپلیتیک است که به این مسائل می‌پردازد. دانش ژئوپلیتیک به مطالعه ابعاد فضایی-جغرافیایی مناسبات قدرت و رفتار سیاسی بازیگران عرصه‌های سیاست ملی و بین‌المللی می‌پردازد» (حافظ‌نیا، ۱۳۹۳: ۲۳۳).

«نقشه تقریباً بازنمایی کاملی از حکومت است؛ اما قدرت، نقش خود را در این حد، محدود نمی‌کند و سعی دارد تا علاوه بر کمک به تهیه نقشه، واقعیت‌های قابل ترسیم بر روی نقشه را از نیز تحریف و به نحوه دلخواه بازنمایی کند. قدرت، واقعیت‌ها را بازسازی می‌کند و حکومت به‌عنوان عامل قدرت با بهره‌گیری از فنون و تکنیک‌های نقشه‌کشی این کار را انجام می‌دهد تا واقعیت بازسازی‌شده را به آسانی برای

نقشه‌ها در طول تاریخ جوامع انسانی، وسیله‌ای برای بازنمایی موقعیت مکان‌ها و فضاها به تدریج به ابزاری در جهت بازنمایی جایگاه، قدرت و امتیازات جوامع، قبایل و کشورها تبدیل شد (میرحیدر و حمیدی نیا، ۱۳۸۹: ۲۹۶).

اما «قدرت»، پدیده یا انگیزه‌ای سیاسی است که از نیروی «اراده» یا «خواست» درونی انسان و توان علمی ساختن و به نتیجه رساندن آن ناشی می‌شود؛ نیرویی که تلاش برای بهترزیستن را از راه هموارساختن ناهمواری‌های محیط سیاسی در اختیار انسان می‌گذارد» (مجتهد زاده، ۱۳۹۱: ۱۰۴).

سیاست نیز واژه‌ای مأنوس است که از گذشته‌های دور، انسان‌ها با آن سر و کار داشته‌اند و با زندگی، پیوندی عمیق دارد. دامنه علم سیاست را موضوعاتی مانند: اندیشه سیاسی، مسائل روز، دیپلماسی، روابط بین‌الملل، دولت و حکومت و... را دربر می‌گیرد. انسان موجودی سیاسی است و به گفته ارسطو تفاوت وی با حیوان در این بعد خلاصه می‌شود (عسکری و همکاران، ۱۳۹۴: ۳۳). گرچه باید گفت که این تنها یکی از تفاوت‌های موجود بین آن دو است. در تعریف و تبیین مفهوم سیاست، اغلب مواردی چون قدرت، راهبرد، حکومت، مدیریت، فرماندهی، تدبیر و برنامه، مطرح می‌شود. به هر حال، سیاست در مورد روابط انسان‌هاست و در عرصه‌های مختلف و در سطوح متفاوت جریان می‌یابد. در یونان باستان، سیاست درباره تنظیم و مدیریت شهر یا همان دولت شهر بوده است؛ اما امروزه به‌واسطه پیشرفت در ارتباطات و اطلاعات یا به عبارتی انقلاب اطلاعات و ارتباطات که سطح آگاهی‌های ما از رویدادها و مسائل سیاسی را بالا برده است، سیاست را به همه‌چیز و برای همه تبدیل کرده است (عالم، ۱۳۹۵: ۵۴).

1-Strabo
2-Baden
3-De- Montesquieu
4-Ritter
5-F.Ratzel

نواحی جغرافیایی نشان می‌دهند. «سیاست» و «حکومت» همواره سعی می‌کند از ابزار علمی «نقشه» برای بازنمایی مطلوب فضای جغرافیایی استفاده کنند و از طریق تصورات بازنمایی شده بر روی نقشه، واقعیت تحریف شده و جدیدی را ایجاد کند و به اهداف خود برسد.

باید دانست که هدف و موضوع علم سیاست بررسی و شناختن قدرت سیاسی است، ولی تشخیص اینکه اعمال قدرت از چه مرحله‌ای و با چه شماری از کسان یا کسی می‌شود، بسیار دشوار است. همچنین در رابطه با قدرت، اندیشه تقسیم جامعه‌های بشری به دو گروه فرمانده و فرمانبر پنهان است. بررسی و شناختن این رابطه، قلب پژوهش‌های سیاسی است. منظور از رابطه فرماندهی و فرمانبری تنها دستور دادن و اطاعت کردن نیست، بلکه وجود هر گونه برتری و سلطه فرد، طبقه، گروه و کشور بر افراد، طبقه‌ها و گروه‌ها و کشوری دیگر است، خواه این سلطه و برتری به صورت بسیار ملایم و دوستانه و پذیرفته شده، خواه به شکل بسیار خشن و به یاری سرنیزه و تفنگ باشد (ابوالحمد، ۱۳۷۰: ۳۰).

یافته‌های تحقیق

اهداف و اغراض سیاسی در نقشه

نقشه‌ها ممکن است بخشی از گفتمان سیاسی شوند؛ همان‌گونه که هنر، زبان نقشه است، سیاست نیز جنبه‌ای از نقشه است. نقشه خود به‌عنوان یک عامل اثرگذار و نه تأثیرپذیر عمل می‌کند؛ آن‌گونه که نقشه آیین تمام‌نمای یک رژیم سیاسی برای دستیابی به اهداف مدنظر و تسریع‌بخشیدن به آن است. نقشه‌ها به‌عنوان یک مصنوع ژئوپلیتیکی و به‌عنوان تصویری از فضای سیاسی هم واقعی و هم ممکن، اهداف ایالات و ملت‌هاست. نقشه‌های گسترده درباره تاریخچه کارتوگرافی از قرن ۱۶ تا ۱۹ میلادی،

عموم قابل‌پذیرش کند. حکومت به‌عنوان عامل قدرت، حتی برای رسیدن به مقصود خود، در صورت امکان از قدرت قهریه خود نیز استفاده می‌کند تا واقعیت، آن‌طور که مطلوب اوست بر روی نقشه نمایش داده شود» (امیری و افضلی، ۱۳۹۴: ۶). می‌توان گفت که نقشه‌ها ابزار جدایی‌ناپذیر قدرت به‌وسیله فرمان دادن از راه دور است که در بیشتر مواقع با قدرت و پول حاکمان کشورهای بزرگ همراه است.

تأثیرگذاری قدرت و سیاست در طراحی نقشه

«در دیدگاه انتقادی، نقشه به‌عنوان یک رسانه انتقال‌دهنده پیام به تناسب مقاصد و اهداف و نیت نقشه‌نگار و سفارش‌دهندگان آن بوده و پدیده‌ای خنثی نیست. از این دیدگاه، نقشه به‌صورت گزینشی با اهداف ویژه، پراکندگی مکانی-فضایی پدیده‌ها را روی سطح زمین به نمایش در می‌آورد؛ درواقع آنچه که نقشه نمایش می‌دهد، همیشه نمایش وضعیت واقعی نیست و با هر نمایش، شکاف بین واقعیت و آنچه که نمایش داده شده با روابط قدرت آمیخته است. نقشه‌های امروز بی‌گناهی خود را از دست داده‌اند! مخفی‌سازی کارتوگراف‌ها از عینیت، چه عمدی و چه سهوی، بیانگر این است که همه نقشه‌ها ساخت‌های اجتماعی هستند. نقشه‌ها از طریق استفاده از رنگ‌ها، اندازه، تحدید حدود و فضا، جهت‌های ثابت و دیگر شیوه‌های فراگیر در نقشه‌برداری برای بیننده خود، تصویری از جهان، کشورها و دیگر سرزمین‌ها فراهم می‌آورند» (میرحیدر و همکاران، ۱۳۹۲: ۶).

حکومت‌ها برای بازنمایی اهداف، نیت و تصورات جغرافیایی خود به هر نحو ممکن سعی می‌کنند تا با تغییرات در نقشه، ایده‌های جغرافیایی خود را منتقل کنند. شاید از مهم‌ترین پدیده‌های سیاسی برای فهم ترکیب ذهنیت و تصورات با عینیات، «نقشه‌های تبلیغاتی» باشند که هویت ویژه‌ای را برای برخی

بطلمیوس را اصلاح کردند و اقیانوس هند را به شکل یک توده باز آبی و نه یک دریای بسته که قبلاً بطلمیوس نشان داده بود، تصحیح کردند (Schwartzberg, 2008: 33).

در اواخر نیمه دوم قرن هشتم میلادی، سیاح و جغرافیدانی از چین پا به عرصه علم جغرافیا گذاشت که «چیاتان» نام داشت. او ابتدا نقشه بزرگ مقیاسی حدود یک اینچ به بیست مایل از چین و کشورهای مجاور تهیه کرد، بعدها از روی راهنامه آسیایی تألیف شده به وسیله چیاتان، این نکته محرز می شود که حدود ۷۸۵ میلادی، آسیا به صورت جزیره‌ای در میان دریاها تصور می شد. همچنین جغرافیدان چینی به نام «لی چین فو» نقشه‌ای نظامی از شمال رود زرد تهیه کرد که در آن کلیه نقاط استراتژیک و سوق الجیشی مشخص شده بود (فنی، ۱۳۸۵: ۱۰۹).

– دو نمونه از نقشه‌های بسیار زیبای چینی براساس آمارهایی که احتمالاً قبل از سال ۱۱۰۰ م طراحی شده‌اند، بر روی سنگ حکاکی شده بودند. یکی از آنها «نقشه چین و کشورهای دارای مردم وحشی بود» که از دیوار بزرگ چین در شمال پکن به سمت جزیره هاینان در جنوب و به طرف مغرب به سوی کوه‌های آسیای میانی کشیده شده بود. دیگری نقشه‌ای بود که مسیر حرکت «یو» کبیر را نشان می داد و نه تنها همان وسعت را زیر پوشش داشت، بلکه حتی دقت آن در نشان دادن مسیر رودهای بزرگ و خط ساحلی از خلیج چیهلی در شمال شبه جزیره شانتونگ و جزیره هاینان بیشتر بود. هیچ یک از این نقشه‌ها تایوان را نشان نمی دهد. هر دو نقشه مانند سایر نقشه‌های چینی، شمال را در بالا رسم کرده‌اند. از نام جغرافیدانانی که این نقشه‌ها را ساخته‌اند ذکری به میان نیامده است (نظری، ۱۳۸۳: ۵۶).

اهمیت نقشه را در ایجاد و حفظ ملی‌گرایی امپریالیسم ثابت کرده است؛ ایدئولوژی‌های برتری که مردم اروپایی را به مستعمره‌سازی دنیای غیراروپایی تشویق می کند. برای تعدادی از مفسران، طی شدن قرن بیستم نشان‌دهنده پایان این عصر امپراتوری اروپایی است. فضاهای «خالی» استفاده نشده در نقشه جهان به سرعت ناپدید شدند و حس انحصار جهانی بحثی جدی درباره آینده امپراطوری‌های بزرگی مطرح کرد که پتانسیل‌شان برای پیشرفت بیشتر، محدود به نظر می رسد (Jacobs, 2017: 11).

اهداف و اغراض سیاسی در کارتوگرافی تمدن‌های باستان

کارتوگرافی یعنی علم تهیه نقشه همواره مطمح نظر قدرت‌ها و سیاستمداران در طول تاریخ بوده است. تمدن‌های قدیمی و حاکمان باستانی در برخی از موارد به اهمیت و جایگاه نقشه در راستای تأمین منافع ملی خود پی برده بودند. در میان ایرانیان، هندی‌ها، ژاپنی‌ها، چینی‌ها و یونانیان به خوبی روابط بین نقشه و قدرت درک شده بود. کشورداری، ایجاد وحدت سیاسی، دفع دشمنان خارجی و برخی از اغراض و اهداف سیاسی دیگر از طریق کارتوگرافی و تهیه نقشه‌ها امکان‌پذیر شده بود. در این زمینه، برخی از مثال‌ها دارای ارزش علمی و مطالعاتی خاص می باشد:

– کارتوگرافی در هند با نمودارهای اولیه دریانوردی و نیز نقشه‌های ساخت و ساز برای ساختمان‌ها آغاز شد. کارتوگرافی هند بر کارتوگرافی تبت و جهان اسلام نیز تأثیر داشت و در عوض از کارتوگرافان بریتانیایی تأثیر پذیرفت؛ یعنی کسانی که مفاهیم جدیدی از ایجاد نقشه را در هند به وجود آوردند. ترسیم نقشه کشور هند در بین جغرافیدانان و کارتوگراف‌های سایر ملل ریشه‌های طولانی داشته است (Gole, 1990: 99-105). در هند و در قرن نهم میلادی، جغرافیدانان اسلامی تحت حکومت خلیفه عباسی یعنی مأمون کار

سویلی» در سدهٔ پانزدهم میلادی در رسم این نقشه اعتقاد بر این بود که خداوند زمین را به شکل منظمی خلق کرده و قدس را در وسط آن قرار داده است. در این نقشه جهت شرق در بالا قرار دارد و جهان به شکل O (نشانهٔ Orbis یا کره و معرف صفحهٔ زمین است) و محصور در اقیانوس رسم شده و دریاهاى سرخ، سیاه و مدیترانه در وسط آن به شکل حرف T دیده می‌شود که دلالت بر Terrorum یا زمینه است؛ رود نیل در سمت راست و رود دُن سمت چپ این دریاها قرار دارند؛ آسیا در نیمهٔ شمالی و اروپا در پایین نیمهٔ غربی و مقابل آفریقا قرار دارد (فنی، ۱۳۸۵: ۷۶).



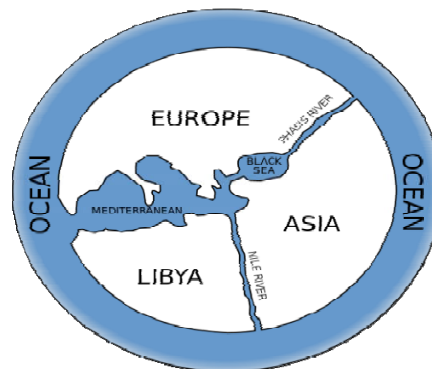
شکل ۲: نقشهٔ تی و او

(<https://www.princeton.edu>) (T and O)

«بریان هارلی»^۳ می‌گوید کارتوگرافی همیشه «علم شاهزاده‌ها» بوده است. در دنیای مسلمانان، خلفا و بعداً سلاطین به حمایت کردن از نقشه‌کشی معروف بودند. همان‌گونه که امپراطوری‌های مغول، هند و حاکمان چین این چنین بودند. «در اروپای مدرن اولیه نیز پادشاهان مستبد به حمایت خود از کارتوگرافی بها می‌دادند. از اوایل قرن هجدهم، هنگامی که مساحی‌های توپوگرافیک ملی آغاز شد، به‌طور فزاینده‌ای دولت، مسئولیت حمایت مالی که به نفع سیاست‌ها و منافع نخبگان بود را برعهده گرفت» (امیری و افضلی، ۱۳۹۴: ۶).

3-Brian Harley

در یونان و روم، «آناکسی‌ماندر»^۱ با همکاری «هکاتایوس»^۲ ترسیم نقشه‌ای از عالم را مبتنی بر جغرافیای علمی بنا نهاد. نقشهٔ او که ظاهراً روی ورقه‌ای فلزی از برنج نقش شده، قدیمی‌ترین نقشه‌ای است که نامش در تاریخ آمده است. این نقشه اولین نقشهٔ با مقیاس است که در آن یونان در وسط و سایر قسمت‌های اروپا و آسیای شناخته شده نسبت به یونان در اطراف آن مشخص شده بود (فنی، ۱۳۸۵: ۳۷). این نقشه، مدور و همهٔ جوانب آن را اقیانوس فراگرفته بود (فنی، ۱۳۸۵: ۵۴).



شکل ۱: نقشهٔ آناکسی ماندر

مأخذ: Hanks, 2011

در سده‌های سوم تا پانزدهم میلادی، حاکمیت مطلق کلیسا بر همهٔ شئون زندگی در اروپا و امپراتوری روم موجب شده بود تا نقشه‌ها متأثر از عقاید مسیحی دربارهٔ جهان با مرکزیت بیت‌المقدس (اورشلیم) تهیه شوند و شباهت چندانی با واقعیت‌های روی زمین نداشته باشند (میرحیدر و حمیدی‌نیا، ۱۳۸۶: ۱۴۹). یعنی در دوران قرون وسطی، زمین به‌صورت دیسکی مسطح، فرض می‌شد و اورشلیم در مرکز آن قرار داشت، اعتقاد به مسطح بودن زمین در این عصر، نزد دانشمندان اوج گرفت و نقشهٔ معروف جهان به‌نام «تینو» رسم شد. به روایت اسقف «ایسیدروس

1-Anaximander
2-Hecataeus

فرانسه، شوروی و... اشاره کرد که در ادامه به مواردی از اهداف آنها اشاره می‌شود:

- قبل و هنگام جنگ جهانی اول، پادشاهی آلمان غالباً ترس خود را از «اینلرسونگ» بیان داشت و این به این دلیل بود که به وسیله قدرت‌های پیشین محاصره شده بود، سعی داشت تا آنها را از حرکت بازداشته و آنها را ناامید کند؛ اما کشتی جنگی آلمان به وسیله بریتانیایی‌ها نابود شد، نسل بعد آلمانی از موقعیت جغرافیایی خویش و تبعیضات صورت گرفته علیه آنها همیشه ناراضی بودند؛ به همین دلیل، نیروی جنگی آلمان سعی کرد تا در حلقه قدرت شکاف ایجاد شود و این امر بر روی برخی از نقشه‌هایی که توسط رایش سوم به چاپ رسیده وجود دارد که بیانگر استفاده از نقاط ضعف و تلاش برای ایجاد شکاف و انفجار است (Henrikson, 1994: 7, 11).

- زمانی که ایالات متحده موقعیت وسیع تری را در اقیانوس آرام به دست آورد، پس از اینکه بر مکزیک در جنگ ۱۸۴۶-۱۸۴۸ پیروز شد، برای نخستین بار در مرکز نقشه‌های جهان قرار گرفت. هر چند فاکتورهای دیگری مانند مرکزیت آمریکا، هیأت‌های اکتشافی آمریکایی به رهبری «چارلز ویکنز» در اقیانوس آرام، کشف طلا در کالیفرنیا، حفظ وحدت با پیروزی ایالات شمالی در جنگ داخلی در ۱۸۶۵ و خرید آمریکا از روسیه تأثیرگذار بر تغییرات کارتوگرافیکی بود (Henrikson, 1994: 7, 11).

- پیروزی ایالت متحده بر اسپانیا، که مرکزیت آنها را در نظم جهانی به دنبال داشت، بر روی نقشه‌های جهانی و تولیدی آمریکا مثل نقشه جهانی مرکاتور که در اطلس عمومی و جدید «آگوست میشل» و سایر کارها نمایش یافت، کل چارچوب کره زمین در نقشه تغییر یافت» (Henrikson, 1994: 7, 11).

کارتوگرافی از سوی کشورها برای مشروعیت بخشیدن به توسعه طلبی‌های امپریالیستی‌شان نیز مورد استفاده قرار گرفته است. نقشه‌برداران همراه نظامیان بودند؛ به طوری که همراه با آنان، سراسر کره زمین را در جستجوی به دست آوردن داده‌های مربوط به زمین، پیمودند. هر چند که آنها جزئیات زمین‌هایی را که نمایش می‌دادند، نمی‌آوردند یا اشاره جزئی به آنها داشتند؛ ولی نقشه‌های تهیه شده به طور گسترده‌ای در تعیین حدود گسترده نفوذ سیاسی کشورها مؤثر بوده و کاربرد داشتند. نمادهای دینامیک یا مهمترین نمادهای متغیر، دارای اهداف خاصی هستند؛ مانند دوایر هم‌مرکز؛ مثلاً فلش‌های کشیده شده بر روی نقشه‌های آلمانی که نشان‌دهنده فشار و اجبار استراتژی نیروهاست» (Henrikson, 1994: 6). مثال‌هایی از این دست در میان کشورها و در طی تاریخ بشر زیاد بوده است که همه این موارد به اهداف سیاسی طراحان نقشه در راستای قدرت اقتناع‌کنندگی نقشه اشاره دارد و اغلب مخاطبان داخلی و خارجی را از طریق پیام موجود و نهفته در نقشه تحت‌تأثیر روان‌شناختی قرار می‌دادند.

اهداف و اغراض سیاسی در کارتوگرافی سده‌های اخیر

یکی از قدم‌های اولیه یک کشور استقلال یافته این است که یک اطلس ملی را به چاپ رسانده و از نشانه‌ها در نقشه استفاده کند تا هویت جدید کشور در این نقشه جدید ابراز شده و غرور جدیدی از مکان منعکس شود؛ از طرف دیگر تمرکز در نقشه می‌تواند باعث شود تا ضعف، آسیب‌پذیری و بیثباتی یک کشور، از این طریق برطرف شود؛ از جمله کشورهایی که در سده‌های اخیر اهداف و اغراض سیاسی بیشتری در کارتوگرافی دنبال کردند، می‌توان به آمریکا، آلمان،

شامل اروپا و سایر قسمت‌های کره زمین شوند که البته این نوع تلاش‌ها بی‌نتیجه بود. از تجربه جنگ جهانی دوم، تصویر جدید و متفاوت از نظر کارتوگرافیکی از روابط بین‌الملل ایالات متحده برای آینده ایجاد شد. این در واقع، عقیده‌ای جدید از فضای ساختگی به نام مدیریتانه قطبی بود که از نظر مکانی به تمام خشکی‌ها، دریاها و فضای جو اطراف مدار قطب به‌طرف خارج و پیرامون آن بود. این نقشه‌ای بود که در نظم جدید جهانی از فضا، صلح و دوستی و بازرگانی ترسیم شد.

-سیاست غرب به سرکردگی ایالات متحده، در راستای کنترل ایالات متحده و تأثیرات آن بر روی روس‌ها در نقشه‌ها نیز بازنمایی یافته است. در دسامبر ۱۹۸۰، حین نشست آمریکا-شوروی در مالت، «میخائیل گورباچف^۱»، رهبر شوروی سابق، نقشه‌ای را به رنگ آبی و سفید به رئیس‌جمهور وقت آمریکا یعنی «جورج بوش^۲» پدر عرضه کرد که در ظاهر نشان می‌داد، اتحاد جماهیر شوروی توسط پایگاه‌های نظامی آمریکا مثل ناوگان‌های هوایی در محاصره است. این نقشه که توسط «مارشال اخوسیف» تهیه شده بود بر این امر تأکید می‌کرد که مشغله ذهنی رهبران روس این است که کشتی‌های آمریکایی که مجهز به موشک‌های کروز هستند به‌همراه زیردریایی‌های جنگی، تهدیدی برای شوروی سابق هستند. برای لحظه‌ای طبق گزارشات موجود، جورج بوش، رئیس‌جمهور آمریکا حرفی برای گفتن نداشت و گورباچف متذکر شد که به‌نظر می‌آید که شما هیچ جوابی ندارید؟! بوش در پاسخ گفت که سرزمین‌های وسیع جماهیر شوروی بر روی نقشه به شکل یک فضای وسیع و خالی به نمایش در آمده و هیچ اثری از نیروهای عظیم نظامی روس نیست تا نیروهای آمریکایی را ترسانده یا از عمل باز دارد. وی

از ویژگی‌های قابل ملاحظه جغرافیای منطقه آرژانتین، استفاده از تصاویر کارتوگرافیکی برای قراردادن آرژانتین در داخل این جهان وسیع است. استفاده گسترده آرژانتینی‌ها از سیستم‌های تصویر جهان با تمرکز بر روی قطب با هدف برجسته‌کردن اهمیت آرژانتین در دفاع از نیمکره جنوبی در مقابل منابع کمونیستی تهدیدآفرین، مانند اتحاد جماهیر شوروی بود (امیری و افضلی، ۱۳۹۴: ۶). می‌توان گفت فشارهای سیاسی حکومت‌ها در کشور آرژانتین بر مؤسسه‌های کارتوگرافی در این زمینه در طی دهه‌های گذشته بی‌مانند بوده است.

-آفریقا از جمله مکان‌های جغرافیایی‌ای است که بیشترین تأثیر را از نام‌گذاری‌های استعماری پذیرفته است. با وجود آنکه بسیاری از انسان‌شناسان عقیده دارند نوع بشر از آفریقا و به‌ویژه شرق آن قاره به سایر نقاط جهان پخش شده و فرهنگ‌های اقوام و ملل آفریقا در زمره دیرپاترین دستاوردهای بشری در طول تاریخ بوده‌است (حمیدی‌نیا و میرحیدر، ۱۳۹۳: ۹۰).

-از قرن نوزدهم تا دست‌کم جنگ جهانی دوم، عقیده دفاع از نیمکره، ستون اصلی تفکرات آمریکایی‌ها در خصوص امنیت ملی بود و این تا حدودی نتیجه‌ای هوشمندانه از تسلط تصویری بود که ایالات متحده را در نیمکره جدا نشان داده یا به‌عنوان مرکز جهان در نظر گرفته شده که به‌وسیله دو اقیانوس بزرگ، محافظت می‌شود. این منطق کارتوگرافیکی بین نیمکره شرقی و دنیای جدید، فاصله ایجاد کرده بود و از هرگونه تماسی جلوگیری می‌کرد. خاور دور برای اروپایی‌ها، همان غرب دور بر روی نقشه‌های آمریکایی‌ها بود. تلاش‌هایی در جهت خنثی کردن افکار عمومی آمریکایی از طریق سعی در اثبات گرافیکی، یعنی یک‌سری از نقشه‌های متحدالمرکز جایگزین این مورد شد که ایده نیمکره غربی، ساختگی است و نیمکره‌ها می‌توانند در ارتباط با هم تعریف شوند و

1-Gorbachev

2-Bush

به‌عنوان گره شهری عظیم در آرشیو امپراطوری انگلستان عمل می‌کرد و روی تولید نقشه‌ها و توسعه طرح‌ها برای پیشروی جنگ به‌سوی بعد امپراطوری متمرکز بود. انجمن جغرافیایی پاریس، گره‌ای در آرشیو ملی فرانسه شد، یک مرکز محاسبه جغرافیایی و کارتوگرافیکی که اقتصاد و ایمان فرانسوی را تشکیل می‌داد و روشنفکران از دانشگاه سوربون فرانسه می‌توانستند بحث‌های جغرافیایی، تاریخی و کارتوگرافیکی را درباره حاکمیت فضای ملی اداره کنند» (Heffernan, 2002: 219).

اهداف و اغراض سیاسی در نقشه‌های ایران

در گذشته تهیه یک نقشه ممکن بود سال‌ها طول بکشد؛ اما امروزه نقشه‌های بسیار دقیق و دیجیتال را می‌توان تنها در چند ساعت طراحی کرد. اصالت وجودی نقشه‌های ترسیم‌شده می‌بایست بیانگر واقعیات کره زمین باشد؛ ولی در طول تاریخ، هر از گاه آیین‌های برای نمایش تعصبات، انعکاسات سیاسی و قدرت‌نمایی هم شده‌اند؛ در واقع، نقشه‌کش‌ها هم مانند یک نویسنده کتاب، در برابر پولی که از دستوردهنده دریافت می‌کند به‌ناچار، آمال و خواسته‌های وی را اجرا می‌کند تا به مذاقش خوش آمده و مورد اقبال قرار گیرد تا به اهداف مدنظرش برسد. نخستین و قدیمی‌ترین نقشه ساخت بشر را به روایتی، ایرانیان اهل بابل ساختند، ولی بعد از آن برای سال‌ها، نقشه‌های سرزمین پارس را نقشه‌نگارانی غیرایرانی و خصوصاً اروپاییان کشیدند. برای نمونه بابلی‌ها، نقشه‌هایی از شهرهایشان ایجاد کردند و مانند تعدادی از تمدن‌های نخستین، مشغول مطالعه ستارگان نیز شدند (Hanks, 2011: 48).

-بابلیان پس از ترسیم نقشه آسمان (نجوم)، به ترسیم نقشه زمین پرداختند. کهن‌ترین نقشه جغرافیایی، نقشه‌ای است که کاهنان بابلی برای شهرها و راهنمای امپراتوری بخت نصر ترسیم کردند. کسانی که در

گفت: شاید شما هم از من می‌خواهید که این فضاهای خالی را پر کنم؟! من از «سیا» خواهم خواست تا نقشه‌ای تهیه کند و نشان دهد که شما از دید ما چگونه هستید؛ سپس نقشه‌ها را مقایسه کرده و خواهیم دید که کدامیک دقیق‌تر است» (Henrikson, 1994: 11,12).

-نقشه به‌صورت وسیع در جنگ‌های روانی مورد استفاده قرار می‌گیرد. طی جنگ‌های سرد در دهه‌های ۱۹۵۰ و ۱۹۶۰، ایالات متحده و شوروی سابق از نقشه‌ها جهت تأثیر بر مردم خود در ارتباط با وجود خطرات قریب‌الوقوع به‌وسیله طرف مقابل با جهت‌گیری‌ای که از سمت اروپا یا قطب شمال، تهدید صورت نمی‌گرفت استفاده کردند. نقشه‌های ایالات متحده که مبتنی بر سد کردن و محاصره شوروی سابق بود با هدف دفع خطرات، ساخته می‌شدند. نقشه‌ها همچنان نقش مهمی را در تلاش برای ساخت و شکل دادن افکار عمومی درباره جریان سیاسی برعهده خواهند داشت. در جنگ ویتنام، پیمان حفر کانال پاناما، بستن تنگه تیران توسط مصر، جنگ‌های آزادسازی ملی گرایانه، منازعه آرژانتین و شیلی بر سر کانال بیگل و بسیاری از جنگ‌ها و نبردهای مهم دیگر، هم بر روی زمین رخ داده و هم در نقشه قابل مشاهده بوده است» (Henrikson, 1994: 9,22).

-در فرانسه، جغرافیدانان پیرو دلابلاک در کمیته‌ای شامل دی مارتون، دیر مارگری، دی مانگون، گالیوس و چین برانچ همگی به‌عنوان اعضای سرویس جغرافیایی فرانسه همکاری کردند که برای راهنمایی رهبران سیاسی فرانسه درباره سؤالات جغرافیایی در طول کنفرانس‌های صلح پاریس در ۱۹۱۹ و ۱۹۲۰، به‌ویژه در ارتباط با مرزهای ایالت‌های جدید در اروپای مرکزی-جنوبی تأسیس شد. همان افراد توسعه جغرافیایی فرانسوی را از سال‌های جنگ براساس ارزیابی بزرگ در تجربه‌شان در جنگ جهانی اول شکل دادند. درحالی‌که انجمن جغرافیایی سلطنتی

علم به اینکه نام قانونی و به حق آن «خلیج فارس» است، از کاربرد «خلیج عربی» امتناع کرده و عنوان «خلیج» را به کار بردیم. در حالی که نام خلیج فارس در بسیاری از متون فارسی و عربی در قرون قبلی و بر روی نقشه‌ها وجود داشته است؛ برای مثال، «در یک پژوهش از پنجاه اثر پیش یافته، بیش از چهارصد بار به ترتیب در قالب‌های «بحر فارس» (۳۴۵ بار)، «البحرالفارسی» (۱۹ بار)، و «خلیج فارس» (۱۰) به کار رفته است. گستره تاریخی آثار بالا از قرن سوم تا سیزدهم هجری؛ یعنی نزدیک به ده قرن است و نام خلیج فارس در دانش‌نامه‌ها، کتب تفسیر، حدیث، لغت، شعر، فرهنگ‌شناسی، هیأت، تاریخ و جغرافیا آمده است. رواج نام دریای فارس در میان جغرافیدانان به حدی است که یاقوت حموی در هشت قرن پیش، در فرهنگ‌نامه بزرگ خود، معجم‌البلدان مدخلی را با عنوان «بحر فارس» و نیز در آثار جغرافیایی مهمی همچون مسالک‌الممالک اصطخری (ق ۴ و ۳)، المسالک و الممالک ابن حوقل (ق ۴) و نخبه الدهر دمشقی (ق ۷ و ۸)، فصلی با عنوان صریح «بحر فارس» به این دریا اختصاص داده شده است. این مهم نشان می‌دهد خلیج فارس به عنوان حقیقتی مسلم و غیرقابل انکار در میان آثار جغرافیایی، جایگاه شایسته خود را داشته است» (ابن‌الرسول و محمدی فشارکی، ۱۳۸۶: ۳۰).

همچنین در یک پژوهش دیگر در میان آثار و متون فارسی، عربی و لاتین، نتایج جالب توجهی به شرح جدول زیر به دست آمده است. نتایج جدول نشان می‌دهد که درصد بیشتر منابع از نام خلیج فارس به جای خلیج یا خلیج عربی بر روی منابع فارسی، عربی و لاتین حکایت می‌کند و نام جعلی خلیج عربی صرفاً در سال‌های اخیر و در محافل عربی و غربی رواج یافته است و بیان‌کننده اهداف سیاسی و منافع ملی این کشورها در خصوص طراحی نقشه‌ها است:

ویرانه‌های گاسور واقع در ۳۲۰ کیلومتری شمال بابل مشغول کاوش بودند، لوحی گلی به دست آوردند که به ۱۶۰۰ ق م. مربوط می‌شد و در آن کوه‌ها را با خطوط گرد، آب‌ها را با خطوط مورّب و رودخانه‌ها را با خطوط موازی نمایش داده‌اند. بر این اساس، نقشه‌ای از عالم و با خط میخی ترسیم کرده بودند که در آن بابل، لودیّه و سایر مناطق شناخته‌شده در داخل دایره‌ای که گرداگرد آن خلیج فارس قرار دارد رسم شده بود و بابل در مرکز دایره قرار داشت. یکی از تکنیک‌هایی که مورد استفاده قدرت‌ها و بازیگران سیاسی مختلف بوده، بحث مرکزیت یک مکان یا کشور در نقشه و موقعیت قرارگیری آن است. بعدها تمام ملل باستان یعنی آشوری‌ها، مصریان، یهودیان و... همین فرض را درباره زمین داشتند (فنی، ۱۳۸۵: ۲۵-۲۶) و این برای ایرانیان خالی از تبعات نبود؛ به عنوان مثال، در این سال‌ها نام خلیج فارس، موضوعی است که ذهن عموم مردم در دو سوی این آب‌ها به نقشه‌هایی که از این خلیج کشیده شدند و نقش قدرت‌ها در طراحی نقشه‌ها را به خود مشغول کرده است. یکی از افرادی که به این موضوع پرداخته است، «سیروس علایی» مؤلف نقشه‌های عمومی ایران است. وی روایت می‌کند که خودش مشاهده کرده که «اطلس تایمز» نقشه‌ای را طراحی کرده است به اسم «خلیج» و بدون ذکر قید آن یعنی (پارس، پارسی یا فارسی) و آنان در پاسخ به سؤالش درباره چرایی این عمل، عنوان کرده بودند که این یک مسئله اقتصادی است. آنان توجیه کرده‌اند که به خاطر فروش زیادی که در ممالک عربی داریم و در مقابل در ایران به این موفقیت اقتصادی دست پیدا نمی‌کنیم، ملزم و مجبور به کاربرد «خلیج» به جای «خلیج فارس» هستیم. چراکه در غیر این صورت، فروش اجناس، فعالیت اقتصادی و سوددهی با شکست مواجه خواهد شد و با

چند هزار ساله ایران در خلیج فارس و دریای عمان در خطر نابودی قرار گیرد. این رویه در رفتار دولتهای عربی برای سعی در تغییر نام واقعی خلیج فارس که چهار هزار سال است به این اسم خوانده می‌شود، اثر نامطلوبی در ایران داشته است. خلیج فارس دچار جعل و تحریف شده و با تبلیغات دروغین همراه شده، به طوری که ملت‌ها را در مقابل یکدیگر قرار داده است (میرحسینی و همکاران، ۱۳۹۴: ۷۶). به این ترتیب از یک طرف بازیگران و قدرت‌ها در مواردی همانند تغییر نام خلیج فارس بر نقشه‌ها برای دردست‌گرفتن افسار اقتصادی و بازار و از طرفی با نوشتن طومارهای اعتراضی، تصمیم می‌گیرند نظرات خود را اعمال کنند و آنچه روی نقشه نوشته می‌شود را تعیین کنند یا بهتر است بگوییم تغییر دهند؛ البته سابقه دنبال کردن اغراض و اهداف سیاسی از طریق طراحی نقشه به خیلی پیشتر از آنچه که بازار و افکار عمومی تعیین کننده آن باشد، برمی‌گردد.

جدول ۱: به کارگیری نام خلیج فارس در نقشه‌ها و اطلس‌ها براساس زبان‌های مختلف؟

اطلس		نقشه		نام درج شده	
۲۵,۳	۴۴	۴۹,۳	۳۳۳	خلیج فارس	
۱,۱	۲	۰,۹	۶	الخلیج فارسی	
۰,۶	۱	۱,۵	۱۰	دریای بوشهر	
۳۰,۵	۵۳	۲۱,۲	۱۴۳	Persian Gulf	
۲,۳	۴	۷,۲	۴۹	پرشین گلف-خلیج فارس	
۱۲,۱	۲۱	۷,۴	۵۰	Golfe persique	
۸,۶	۱۵	۱,۹	۱۳	Persischer Golf	
۶,۹	۱۲	۰,۳	۲	زبان روسی	
۱,۷	۳	۰,۹	۶	ایتالیایی Golfo Persico	
۰,۶	۱	۲,۵	۱۷	سینوس پرسیکوس Sinus persicus	
۱۰,۳	۱۸	۳,۱	۲۱	سایر نام‌ها	
۰,۰	۰	۳,۸	۲۶	نام نامشخص	
۱۰۰	۱۷۴	۱۰۰	۶۷۶	جمع	

مأخذ: ابن‌الرسول و محمدی فشارکی، ۱۳۸۶

در سال‌های اخیر مصرانه و مجدانه کوشش شده است تا نام خلیج فارس به «خلیج عربی یا خلیج» تبدیل شود و منافع ملی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی



شکل ۳: یکی از نقشه‌های قدیمی خلیج فارس

(<https://www.seratnews.ir>)

«خلیج فارس» پیش آمدند؛ در این موقع می‌خواستند سندی را برای این کار به وجود بیاورند، نقشه همن را از ایران که چند سال قبل از آن تهیه شده بود، گرفتند و کپی کردند و بعد یک خط جدیدی را در آن نقشه رسم کردند که این خط قسمتی از قفقاز، همه

مثال دیگر مربوط به سال ۱۷۲۹ میلادی است، یعنی درحالی که دولت صفوی در اثر حمله افغان‌ها از هم پاشیده بود، ترک‌های عثمانی بخش‌هایی از غرب ایران از قفقاز و آذربایجان تا لرستان و کردستان و خوزستان را اشغال کردند و تا گوشه شمال غربی

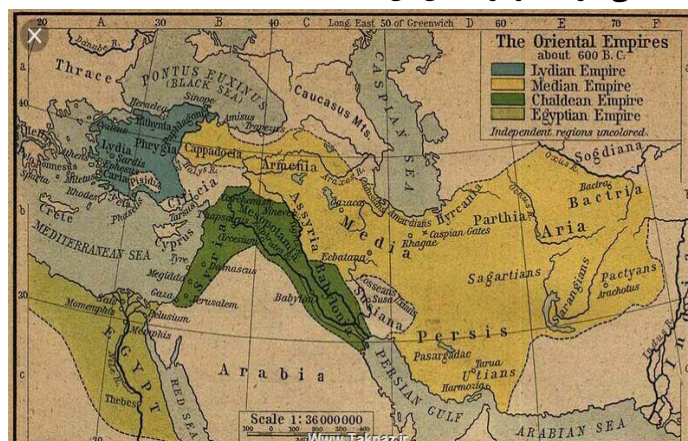
مساحی، نقشه جدید دریای خزر را ترسیم کردند؛ البته متوجه شدند که ارتفاع این دریاچه خیلی بیشتر از عرض آن است. به این ترتیب دریایی که به شکل مساوی بین ایران و شوروی تقسیم شده بود، امروز موضوع گفتگوی داغ همسایگان است و نقشه‌های دقیق امروزی، عامل تعیین‌کننده‌ای در مذاکرات هستند. «دریایی که حداقل سه‌چهارم آن درون سرزمین‌های شوروی است را به‌طور به شکل مساوی تقسیم کنند؟! چنین چیزی مطلقاً عملی نیست و نقشه فریاد تمسخر می‌زند، اما در مواردی که قدرت‌های سیاسی یا اقتصادی اگر توانش را داشتند، دستکاری‌های زیادی را حتی در نقشه‌ها کردند تا جایگاه خودشان را تقویت کنند» (مجتهد زاده، ۱۳۹۱).

زمانی که اسپانیا و پرتغال، دو قدرت جهانی استعمارگری بودند، نقشه‌ای درست کردند و کره زمین را بین خودشان با یک خط، تقسیم کردند. مشابه همین کار را دو قدرت استعماری انگلستان و روسیه با ایران کردند. درست زمانی که ایران به‌عنوان یک بازار اقتصادی در حال کشف شدن بود. چنانچه بخش وسیعی از جنوب ایران را منطقه نفوذ انگلستان عنوان کردند.

این نقاط را دربر می‌گرفت و غرب آن جزو امپراطوری عثمانی می‌شد و روی این خط جدید نوشت: «مرز جدید ایران و عثمانی» و این را به چاپ رساند و نسخه‌ای از آن را هم برای غرب فرستاد. نمونه‌های نفوذ افکار سیاسی در طراحی نقشه‌ها در دنیا زیاد است.

در جنگ جهانی دوم نقشه‌هایی را تهیه و منتشر کردند که نشان می‌داد ایران در کمپ آلمان نازی است؛ اما مطلقاً اینچنین نبود و ایران بی‌طرفی کامل خود را اعلام کرده بود و این موضع بی‌طرفانه را تا آخرین لحظه هم رعایت کرد؛ ولی چون اشغال‌کنندگان ایران، اهداف دیگری داشتند و هدف اصلی‌شان کم‌رسانی و پشتیبانی شوروی از طریق ایران بود، به‌دنبال بهانه بودند که این را ثابت کنند و هنوز هم بر این اعتقادند که ایران در آن زمان به طرف آلمان نازی در حرکت بودند (مجتهد زاده، ۱۳۹۱).

یکی از داستان‌های جالب توجه در تاریخ نقشه‌نگاری ایران، مجادلات بر سر شکل و وضعیت حقوقی مرز شمالی ایران، یعنی دریای خزر است. بطلمیوس بر این تصور بود که دریای خزر به‌صورت بیضی خوابیده است. تا اینکه در زمان پتر کبیر در حدود سال ۱۷۲۰ میلادی دریای خزر را مساحی کردند و براساس آن



شکل ۴: ایران؛ قدیمی‌ترین کشور دنیا
(<https://iranatlas.info/parseh>)

ایران، ایران از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است. ایران از آغاز دهه پنجاه، عملاً در چارچوب محور استراتژی غرب قرار گرفت، یعنی نخستین موضع دفاع غرب با ارتفاعات شمالی ایران منطبق شد» (عزتی، ۱۳۸۱: ۱۰۸-۱۰۷).

اغراض سیاسی هدفمند در طراحی نقشه‌های قومیت ایران

دخالت اهداف و اغراض سیاسی در طراحی نقشه‌های قومی ایران نیز به وضوح، مشهود است. در ایران اقوام مختلف و متنوعی با گویش‌ها، فرهنگ و آداب و سنن مخصوص زندگی می‌کنند؛ تاجایی که این پراکندگی و تنوع، نه تنها از یک استان به استان دیگر به لحاظ تقسیمات جغرافیایی، بلکه در داخل مرزهای یک استان هم مشاهده می‌شود. این دستکاری آگاهانه در ترسیم نقشه و به‌ویژه، مرکز-پیرامونی کردن آن از نقایصی است که جنبه و رنگ و بوی سیاسی به خود گرفته و به همین دلیل حساسیت قومی را برمی‌انگیزاند و بُعد امنیتی پیدا می‌کند.

قومیت خود یکی از مباحث و مفاهیم کلیدی در جغرافیای سیاسی است و به یک موضوع مهم در علوم اجتماعی و سیاسی، تبدیل گشته است. عامل قومیت به‌خوبی در نقشه‌های جغرافیایی بازتاب یافته است و علاوه بر تأثیر در هویت‌بخشی، اغراض سیاسی در ترسیم آن‌ها را به‌خوبی نمایان می‌کند.

در قرن نوزدهم اختلافی بین ایران و انگلستان واقع شده بود و می‌خواستند قسمت کابلستان، هرات و قندهار را با یکدیگر ادغام کنند و جمع این‌ها را افغانستان بنامند. در آن زمان هرات جزو ایران بود و محمدشاه که در آن زمان حکومت می‌کرد، مقاومت کرده و تسلیم نمی‌شد. انگلیسی‌ها برای اینکه وی را وادار به تسلیم کنند، حمله‌ای نظامی به بوشهر انجام دادند و آنجا را به تسخیر خود در آوردند. اقدام دیگری که در این راستا صورت گرفت تکیه به نقشه بود. آنان بلوچستان ایران و بلوچستان هندوستان (انگلستان آن موقع) را در نقشه‌ای به صورت یک مملکت واحد در نقشه نشان دادند و زعمای ایران از این جریان و وجود چنین نقشه‌هایی اطلاعی نداشتند. این نقشه‌ها از سال ۱۸۳۰ به بازار آمد و همه‌جا منتشر شد و نشان می‌داد که حد شرقی ایران را به طرف غرب آورده و به نزدیکی جاسک و بندرعباس رسانده‌اند و بلوچستان ایران را با بلوچستان انگلستان یکی کرده و به صورت یک کشور مستقل به نام «بلوچستان» نشان داده است.

- پس از روی کار آمدن کلینتون به‌عنوان رئیس‌جمهور، او به اعضای شورای مشاوران امنیتی خود دستور داد که در تعیین دکتترین‌های استراتژیک آمریکا، خاورمیانه را در تقدم اول بررسی کنند و در خاورمیانه، وضع ایران را روشن کنند. در قرن بیست و یکم، صحنه اصلی بازیگران «اوراسیا» است و در اوراسیا، آسیا و در آسیا، خاورمیانه و در خاورمیانه،



شکل ۵: پراکنش فضایی اقوام در ایران

(<https://iusnews.ir>)

می‌توان گفت که جمعیت قوم ترک و کرد به صورت مساوی است؛ اما در شبه نقشه‌ها، قوم ترک دارای اکثریت نشان داده شده است. در استان‌های دیگر کشور هم وضع به همین منوال است و نقایصی در نقشه‌ها دیده می‌شود که مغرضانه و در راستای اهداف سیاسی برای به‌حاشیه‌کشیدن اقوام خاصی است» (میرحیدر و همکاران، ۱۳۹۲: ۱۳-۱۲).

«به‌عنوان نمونه، در استان کرمانشاه که یک منطقه کردنشین محسوب می‌شود و درصد بیشتر شهرستان‌های این استان کرد هستند و فارس، لر و عرب در اقلیت هستند؛ ولی در نقشه، عمداً و از روی غرض، این طراحان نقشه‌اند که فارس را قوم غالب معرفی می‌کنند. نمونه‌عینی دیگر در این رابطه به آذربایجان غربی برمی‌گردد که در حالت معمول



شکل ۶: توزیع فضایی قومیت‌های ایران

(<http://www.mapsofworld.com>)

تجزیه و تحلیل

از مجموعه بحث‌های فوق می‌توان زنجیره‌ای از دلایل را همانند یک سناریو در طراحی، ترسیم و تولید نقشه‌ها تنظیم کرد؛ براین اساس و براساس رویکرد علی می‌توان نتایج زیر را بیان کرد:

۱. نقشه ابزار اصلی جغرافیاست و تحلیل جغرافیایی زمانی که با نقشه‌ها مزین شود به فهم و درک بهتری از واقعیت‌ها کمک می‌کند.

۲. نقشه عاری از هرگونه اشتباه و گناه نیست؛ یعنی اهداف، اغراض، سیاست‌ها، منافع و... قطعاً در نقشه‌ها موجود است و این خود به انحراف، تغییر و دستکاری و جدایی از واقعیات منجر می‌شود.

۳. طیف وسیعی از بازیگران سیاسی، اقتصادی و اجتماعی در طراحی و تولید نقشه دست به کارند که شامل، فرد، گروه، حکومت، طبقه حاکم، شرکت‌ها و کمپانی‌ها و... می‌شود. ابزارهایی در اختیار این بازیگران هست که با بازی با هریک از این مهره‌ها اهداف، اغراض و منافع آن‌ها تأمین و انحراف از واقعیت صورت می‌گیرد؛ این ابزارها شامل نمادها، راهنما، رنگ، نوشتار، سکوت در نقشه و... است.

۴. مجموعه اغراض و اهداف سیاسی شامل سیاسی، اقتصادی، سرزمینی، قومی، کسب قدرت و منافع، تبلیغاتی، روان‌شناختی، اجتماعی و... است.

نتیجه

عمده نتیجه‌ای که از نگارش مقاله حاضر می‌توان به‌دست آورد آن است که همه نقشه‌ها برای هدف غایی و راستین خود یعنی دادن آگاهی به مخاطبان و علاقه‌مندان نقشه و نقشه‌خوانی نبوده است. همان‌گونه که از عنوان مقاله در می‌یابیم که عواملی چون قدرت حاکم، سیاست دولت‌مردان و سیاستمداران در عدول نقشه از رسالت خود موجب شده که نقشه تحت‌تأثیر عوامل مذکور، دستخوش

دگرگونی‌هایی شود تا با اهداف دستوردهندگان تهیه و ترسیم نقشه و چه‌بسا با آمال و آرزوهای یک کشور همسو و همساز شود.

به‌نظر می‌توان ادعا کرد که دورنمای اهداف و اغراض سیاسی سیاستمداران با داشتن قدرت حاکمیت آن‌ها برای دستیابی به ممالک و توسعه سرزمینی خود به‌مثابه برانگیختن حس غرور و جهانداری مردمان سرزمین خویش و نازیدن به اصالت و وطن‌مادری بوده است.

در راستای گفته مذکور و اثبات ادعای خود باید به خواسته به‌حق دولت و مردم ایران مبنی بر تأکید به نامیدن و مورد خطاب قرار دادن آب‌های در همسایگی برخی از کشورهای همسایه به‌نام «خلیج فارس» است که همواره محل بحث و جدال ایران و کشورهای عربی حوزه خلیج فارس به‌خاطر نام آن بوده است و جنبه سیاسی داشته است. همان‌گونه که می‌دانیم نام خلیج فارس در بردارنده یک حس عاطفی و میهن‌دوستانه است که خواننده با مشاهده این نام و پهنه گسترده و عظیم آن بر روی نقشه، به ایرانی بودن خود می‌بالد. همه این‌ها عوامل روان‌شناختی در نقشه است که توسط عوامل سیاسی و قدرتی در جامعه به‌وجود آمده که به‌هیچ‌وجه قائل به انکار آن و پا پس کشیدن از حق سرزمینی خود نیستند.

عامل سیاست، قدرت و اغراض سیاسی در طراحی نقشه‌ها همواره محل بحث بوده است. تا آنجایی که به اذهان عمومی هم سرایت کرده است و نقل محافل عام گشته است؛ برای مثال، زمانی که آمریکا بر مکزیک پیروز شده و برای نخستین‌بار در مرکز نقشه‌های جهان قرار گرفت یا فلش‌های کشیده‌شده بر روی نقشه‌های آلمانی که نشان‌دهنده فشار و اجبار و استراتژی نیروهاست. در یکی از نمونه‌های روز هم می‌توان به ماجرای خلیج فارس در نقشه‌ها اشاره کرد که ذهن دولت‌مردان و مردم در دو سوی آب‌های این

فصلنامه جغرافیا و توسعه، سال شانزدهم، شماره ۵۲، پاییز ۱۳۹۷

- عالم، عبدالرحمن (۱۳۹۵). بنیادهای علم سیاست، نشر نی.
- عسکری، سهراب؛ محمدرئوف حیدری‌فر؛ پرویز سلیمانی‌مقدم (۱۳۹۴). سیاست و فضا، انتشارات پیام نور.
- عزتی، عزت‌الله (۱۳۸۱). تحلیلی بر ژئوپلیتیک ایران و عراق، چاپ اول. تهران، مرکز چاپ و انتشارات وزارت امور خارجه.
- فنی، زهره (۱۳۸۵). مقدمه‌ای بر تاریخ علم جغرافیا، مشهد، انتشارات آستان قدس رضوی.
- گنجی، محمدحسن (۱۳۸۰). جغرافیا در ایران، از دارلفنون تا انقلاب اسلامی ایران. انتشارات آستان قدس رضوی.
- مجتهدزاده، پیروز (۱۳۹۱). فلسفه و کارکرد ژئوپلیتیک، چاپ اول. تهران. انتشارات سمت.
- مویر، ریچارد (۱۳۷۹). درآمدی نو بر جغرافیای سیاسی، ترجمه دره میرحیدر. انتشارات سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح.
- میرحسینی، زهره؛ زهرا اباذری؛ صفورا محرابی (۱۳۹۴). مطالعه هویت‌نام خلیج‌فارس در نقشه‌ها و اطلس‌های موجود در سازمان اسناد و کتابخانه ملی جمهوری اسلامی ایران و وزارت امور خارجه، فصلنامه مطالعات فرهنگی و سیاسی خلیج فارس. شماره ۵.
- میرحیدر، دره؛ بهادر غلامی؛ فاطمه میراحمدی (۱۳۹۲). تحلیل انتقادی نقشه‌های قومیت در ایران، فصلنامه ژئوپلیتیک. سال نهم. شماره سوم. پاییز.
- میرحیدر، دره؛ حسین حمیدی‌نیا (۱۳۸۶). کالبدشکافی نقشه و نقش آن در اعمال قدرت و القای سیاست، فصلنامه سیاست؛ مجله دانشکده حقوق و علوم سیاسی. دوره ۴۰. شماره ۱. صفحات ۳۱۳-۲۵۹.

خلیج را درگیر کرده است. به‌صورت اجمالی باید خاطر نشان کرد که اغلب نقشه‌هایی که با سفارش حکومت‌ها شکل می‌گیرد، با هدف نشان‌دادن اموری غیرواقعی (برخاسته از عوامل قدرت و سیاست) است. در پایان برای یادآوری و تأکید، به یک نمونه وطنی یعنی مبحث نقشه‌های قومیت اشاره می‌کنیم که برآورد ما از مطالب مذکور در مطاوی متن هم بر اعتقاد برخی محققان مبنی بر تبعیض نژادی و قومی در طراحی نقشه‌های ایران، صحه می‌گذارد.

منابع

- ابن‌الرسول، محمدرضا؛ محسن محمدی فشارکی (۱۳۸۶). نام خلیج‌فارس در بیش از هفتاد متن عربی نویافته، مجله علمی- پژوهشی دانشکده ادبیات و علوم انسانی دانشگاه اصفهان. دوره دوم. شماره ۴ و ۵.
- ابوالحمد، عبدالحمید (۱۳۷۰). مبانی سیاسی، انتشارات توسی.
- امیری، علی؛ رسول افطلی (۱۳۹۴). فهم نقشه سیاسی از منظر قدرت/ دانش؛ با تأکید بر آرای میشل فوکو، پژوهش‌های جغرافیای انسانی. دوره ۴۶.
- جداری‌عیوضی، جمشید (۱۳۸۲). اصول کارتوگرافی، انتشارات دانشگاه پیام نور.
- حافظ‌نیا، محمد رضا (۱۳۹۳ ب). اصول و مفاهیم ژئوپلیتیک، چاپ چهارم. مشهد. نشر پاپلی.
- حافظ‌نیا، محمد رضا (۱۳۸۷). جغرافیای سیاسی ایران، چاپ دوم، تهران، انتشارات سمت.
- حمیدی‌نیا، حسین (۱۳۹۳). استعمار و نام‌گذاری جغرافیایی، چاپ اول. سازمان انتشارات پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
- شکویی، حسین (۱۳۸۳). فلسفه جغرافیا، چاپ دوازدهم. انتشارات گیتاشناسی.

- Henrikson, A. k. (1994). Power and politics of maps. In G. J. Demko and Wood Eds. Reordering the World (PP. 49- 70). Boulder Colorado: Westview press
- <https://www.princeton.edu>.
- Jacobs, (2017). Propaganda Maps, Propaganda Maps Are Designed to Persuade,
- <https://www.thoughtco.com/propaganda-maps-overview-1435683>.
- Schwartzberg, Joseph E (2008). "Maps and Mapmaking in India", Encyclopaedia of the History of Science, Technology, and Medicine in Non-Western Cultures (2nd edition) edited by Helaine Selin, PP. 1301-1303, Springer, ISBN 978-1-4020-4559-2.
- Unno, Kazutaka (1994). "Cartography in Japan". Chapter 11 in Vol. 2, book two of History of Cartography: Cartography in the Traditional East and Southeast Asian Societies(Hartley et al., eds.). Chicago: University of Chicago Press
- نظری، علی اصغر (۱۳۸۳). تاریخ علم جغرافیا، انتشارات دانشگاه تهران.
- Blacksell, M (2006). Political Geography, Routledge.
- Briney, Amanda (2011). Types of Maps, Learn Information about the Various Types of Maps briney Used in Geography, at: [http:// geography.about.com/od/understandmaps/a/ map-types.htm](http://geography.about.com/od/understandmaps/a/map-types.htm).
- Gole, S. (1990). "Size as a Measure of Importance in Indian Cartography", *Imago Mundi*, 42: 99-105.
- Hanks, R. R (2011). Encyclopedia of Geography Terms, Thems and Concepts, ABC-CLIO, Oxford, England.
- Heffernan, m (2002). The Politics of Map in the Early Twentieth Century, *Cartography and Geographic Information Science*, Vol. 29, No, 2002, PP: 207-226.